



داعش همانند خوارج با جهل و کج فهمی قرآن سرنیزه کرده است

رئیس دانشکده مذاهب اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب با بیان اینکه عده‌ای با نفهمی و جهل و با کج فهمیشان قرآن سرنیزه کرده اند و قرآنها را به حاشیه می برند، گفت: آنها با این کار آمریکا را به عنوان کسی که می‌خواهد قرآن ناطق را از بین ببرد، تقویت می کنند و باعث قدرت آمریکا می‌شوند.

رئیس دانشکده مذاهب اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب با بیان اینکه عده‌ای با نفهمی و جهل و با کج فهمیشان قرآن سرنیزه کرده اند و قرآنها را به حاشیه می برند، گفت: آنها با این کار آمریکا را به عنوان کسی که می‌خواهد قرآن ناطق را از بین ببرد، تقویت می کنند و باعث قدرت آمریکا می‌شوند.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مهدی فرمانیان رئیس دانشکده مذاهب اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد کتابچه «بررسی انتقادی تاریخ و اقوال داعش» گفت: کتابچه «بررسی انتقادی تاریخ و اقوال داعش» به بررسی تاریخ پیدایش و تحولات و تطورات تاریخی، القاعده عراق از ابو مصعب الزرقاوی شروع می شود و زندگینامه ایشان را بیان کرده است. بعد تأسیس القاعده در عراق، بیعتش با اسامه بن لادن و در ادامه شیعه ستیزی ایشان، و بیانیه هایی که ایشان دادند نشان داده که شیعه دشمن اولش است و سپس اختلافاتی که با افسران القاعده سر این مسئله داشته است، رهبران القاعده معتقد بودند که نباید شیعیان عادی را کشت اگر بخواهیم رهبران شیعه را به قتل برسانیم نباید عملیات های انتحاری علیه شیعیان عادی انجام دهیم.

وی افزود: موارد اختلافاتشان در این باره را آورده ایم. بعد هم نشان داده ایم قبل از اینکه زرقاوی به هلاکت برسد شورای مجاهدینی تأسیس کرد که از مجموع چند تن از گروه های جهادی داخل عراق بوده که شورای مجاهدین تأسیس شد. بعد از کشته شدن زرقاوی ابو عمر البغدادی رهبر این گروه شد و بیانیه ای دادند که در آن صراحتاً شیعه را مشرک و کافر دانستند و نه تنها کشتنشان را جایز بلکه واجب دانستند و به نوعی عقاید خود را بیان کردند. ما تمام این 15 بندی که عقاید داعش را نشان می دهد همه را آورده و نقد کرده ایم و به صورت مختصر و مفید تبیین کرده و به نقد آن پرداخته ایم.

فرمانیان ادامه داد: بعد از ابو عمر البغدادی که بعد از سال 2010 کشته شد ابوبکر البغدادی رهبر داعش شد. مختصری از زندگی نامه ابوبکر البغدادی را آورده ایم و اینکه چگونه اینها به سوریه رفتند و دعوایشان با القاعده و خروجشان از القاعده و تأسیس داعش و سپس ورودشان به عراق را بیان کرده ایم. به هر حال برای اینکه داعش ادعای خلافت اسلامی کرده موافقان و مخالفانشان را آورده ایم و نشان داده ایم با ادعای خلافت اسلامی توسط ابوبکر البغدادی همان حامیان او از قطر و امارات و عربستان و دیگر گروه ها به یکباره همه گروه ها شروع کردند به مخالفت کردن با آنها. مخالفت و موافقتشان با داعش به منافع سیاسی اینها بر می گردد.

این محقق و پژوهشگر تصریح کرد: بعد از آن به عقاید داعش پرداخته ایم و در آنجا دیدگاه داعش نسبت به شیعه و ایران و مواضع داعش نسبت به اخوان المسلمین و حماس و فلسطین، جنگ غزه و موضع شان نسبت به مسیحیان را بیان کرده ایم. در آنجا گفته ایم که اینها به جد، دشمن اصلی خود را شیعه می دانند و روی این مسئله تأکید دارند. با اخوانی ها و آل سعود اختلاف دارند. هم اخوانی ها هم آل سعود و هم حماس را کافر می دانند. در توضیح شان که چرا نمی روند به فلسطینی ها کمک کنند می گویند تا وقتی شیعیان دشمن اصلی ما هستند نباید به سراغ اسرائیل برویم و غزه ای ها برای اینکه خلافت ابوبکر البغدادی را قبول نکرده اند اینها کشور غیر اسلامی هستند، لذا نباید به کمک آنها رفت بلکه آنها باید به کمک ما بیایند و ما را در عراق و سوریه کمک کنند و بعد در انتها تحلیلی بر مواضعشان بر اساس مبانی مقام معظم رهبری کرده ایم مبنی بر اینکه داعش دشمنان اصلی ما نیستند و دشمن اصلی ما آمریکاست که از داعش سوء استفاده می کند و جنگ مذهبی را در منطقه تقویت می کنند و با هزینه بسیار کم کل جهان اسلام را به جنگ مذهبی سوق می دهد و از آن طرف دارد استفاده فراوان می کند و هزینه فراوانی را به جهان اسلام تحمیل می کند و فرصت های طلایی را از جهان اسلام می گیرند و از طرفی دیگر فرصت های طلایی را برای آمریکا و اروپا به وجود می آورند.

فرمانیان یادآور شد: چند توصیه برادرانه به داعشی ها کرده ایم که در زمین دشمن بازی نکنند. این مختصری است که در این کتابچه آمده است و بر اساس منابع خودشان است. تماماً بر اساس سایت ها و بیانیه ها و آثاری است که داعشی ها در سایت منبر التوحید و الجهاد و سایت المجاهد، موسسه شیوخ الاسلام و سایت ها و جزواتی که خود داعش داده و بیانیه هایی است که خود پیشینه تاریخی داعش داشته اند.

این محقق و نویسنده کشورمان درمورد اینکه آیا شما تفاوتی بین القاعده و داعش نمی بینید گفت: چرا، قائل هستیم که داعش موج چهارم سلفی های جهادی یا موج دوم القاعده ای هاست. موج اول سلفی های جهادی در مصر اتفاق افتاد و دشمن اصلی شان مسلمانها و حاکمان اسلامی بودند. موج دومشان در افغانستان اتفاق افتاد که دشمن اصلی شان شوروی بود. موج سوم القاعده است که دشمن اصلی شان آمریکا بود و متأسفانه موج چهارم، داعش است که دشمن اصلی خودشان را شیعیان معرفی کرده اند. لذا متأسفانه دوباره می توان گفت که سلفی های جهادی، مسلمانها را دوباره هدف قرار داده اند که این مسئله برای آمریکا و اروپا فرصتی طلایی برای برهم زدن خاورمیانه، و حتی تغییر دادن مرزها و حمایت کردن از اسرائیل و

آن اهدافی که دارند شده است. این مسئله را می توان در باب فاصله داعش و القاعده گفت و گرنه بقیه مطالب و تمام افکارشان با القاعده یکی است.

فرمانیان در مورد اینکه آیا در این کتاب به مبانی فکری و پایه های ، ریشه ای داعش پرداخته اید؟ گفت: ببینید برای اینکه این کتاب یک کتابچه کوچکی است به همه اینها نپرداخته ایم. اما برای اینکه این کتابچه ها سلسله ای است و 14 کتابچه تألیف خواهیم کرد با جمعی از دانش پژوهان و طلاب فاضل قم دعوت کرده ایم که دقیقاً همان پیشینه تاریخی و فکری آنها در این کتابچه ها خواهد آمد. این 14 تا یکی تاریخ تفکر سلفی گری است. یکی درباره ابن تیمیه به عنوان موسس مکتب سلفیه است. یکی وهابیت به عنوان احیا کننده فکر سلفیت ابن تیمیه است. یکی درباره دیو بندیه است درباره جماعت التبلیغ ، سپاه صحابه و طالبان، سلفی های جهادی در مصر، افغان العربها و القاعده و در آخر هم داعش و سپس تأثیر افراطی ها یا کارهایی که تنها غالیان شیعه می کنند در گسترش سلفی گری است. این 14 کتابچه که 13 تای آن به یک نوع تاریخ فکر و مبانی این سلفی ها است خواهیم پرداخت که می توان گفت داعش سیزدهمین کتابی است که کلمه سیزده هم برایش خورده و این جالب است. جالب است در این مجموعه به هر حال مبانی اش را در کتابهای قبلی می توان جستجو کرد.

وی در مورد اینکه یکی از پایه گذاران فکری داعش و سلفی ها ابن تیمیه است ولی اخیراً برخلاف نظرات رایج، آقای عمادالدین باقی در مجله مهرنامه مطلبی نوشته و ابن تیمیه را از غولهای تفکر در جهان اسلام و فقیهی عقلگرا معرفی کرده است گفت: نمی دانم ایشان چقدر در این زمینه تخصص دارند اما آنچه که در مورد ابن تیمیه در این ده سال اخیر مطالعه کرده ایم و به هر حال پایان نامه دکتری من مبانی فکری سلفیه بوده حداقل چیزی که می دانم این است که ابن تیمیه کتاب نوشته با عنوان «در تعارض النقل و العقل» و به حساب خودش خواسته بگوید عقل با نقل دعوی ندارد. اما وقتی این کتاب را می خوانید متوجه می شوید که ایشان هر جا به بحث عقلی رسیده آن را انکار کرده و اگر گفته عقل با نقل اختلاف ندارد اما گفته در مورد اختلاف ما به ظاهر نقل اعتماد می کنیم و عقل را کنار می زنیم. با این اوصافی که ابن تیمیه در این کتاب نوشته صراحتاً می گوید با متکلمین ننشینید و همنشین با متکلمین بدعت و حرام است. عقل هیچ جایگاهی در فهم دین ندارد. برای فهم دین باید به سراغ فهم سلف رفت و همان فهم ظاهرگرایی که اصلاً تأویلی نیستند را اخذ کرد. این مباحثی است که ابن تیمیه در آثارش بیان کرده است. آقای باقی یک نفر از طرفداران ابن تیمیه را به ما معرفی کند که عقل گراست ممنونش می شویم.

این محقق و پژوهشگر در مورد اینکه استکبار جهانی و نظام سلطه چه نقشی در طراحی و ایجاد گروه هایی مثل داعش و القاعده داشته است گفت: ما معتقدیم در پیدایش این گروه ها استکبار جهانی با واسطه نقش داشته است. زیرا کلاً سلفیهای جهادی القاعده دقیقاً در راستای مخالفت شدید با فرهنگ غربی به وجود آمدند. اینکه فرهنگ غرب، جاهلیت قرن بیستمی است که با آن باید مبارزه کرد. لذا از یک جهت باید گفت حضور فرهنگ غرب و تفکر سکولاریسم در جهان اسلام باعث بازخورد شدید این گروه ها به نام سلفیه جهادی شد. اما نکته دوم اینکه غرب بعد از اینکه اینها را شناخت و اینها به افغانستان رفتند و افغان العرب نام گرفتند آمریکا از اینها سوء استفاده کرد و به اینها پول و اسلحه داد. اینها مستقیماً این کمک ها را از امریکا گرفتند و هنگامی که بابت این مسئله از آنها انتقاد شد و گفتند فلسفه وجودی شما مقابله با فرهنگ غرب و سکولاریسم است، عبدالله عزام به عنوان رهبر افغان العرب ها در افغانستان بیان کرد که هدف مشترک باعث شده که ما با امریکایی ها کنار هم بیاییم و هم اسلحه و هم پول از آنها بگیریم.

فرمانیان بیان داشت: لذا این چنین امریکا در افغانستان از اینها سوء استفاده کرد. بعداً هم می بینیم که همین فضا را در داعش در عراق و سوریه می بینیم. اما بعد از شوروی، دیگر ارتباط جدی بین افغان العرب ها و امریکا مشاهده نشد. امریکاییها اینها را رها کردند و اینها هم القاعده را تأسیس کردند. لذا معتقدیم که هیچ ارتباط مستقیمی بین القاعده و رهبران امریکا وجود ندارد اما باز می بینیم که همینها وقتی در سوریه وارد می شوند و می خواهند دولت قانونی بشارسد را زمین بزنند دقیقاً همان کاری که امریکا در افغانستان کرد از آنها سوء استفاده کرد. دوباره از این آدمهای جاهل سوء استفاده کرد و کاری کرد که سوریه ای که امروز هیچ چیزی از آن نمانده و این همه مسلمان کشته شد و به هیچ هدفی هم کسانی که با دولت سوریه جنگیدند نرسیدند، لذا در اصل پیدایش اعتقاد نداریم که امریکا نقش داشته اما در سوء استفاده از داعش و افغان العربها علیه مسلمانها و منافع مسلمین و علیه حکومتهای قانونی مسلمین و برای رسیدن به اهداف استکبار و برای حمایت از اسرائیل با تضعیف کردن جبهه مقاومت، امریکا از این گروه ها سوء استفاده کرد و اینها هم رسماً کمک امریکاییها را پذیرفتند. متأسفانه این فضایی است که امروز جهان اسلام گرفتارش شده است.

فرمانیان در مورد اینکه چرا داعشی ها با اسرائیل و منافع اسرائیل کاری ندارند و در هیچ جا منافع آنها را تهدید نمی کنند گفت: داعشی ها به هیچ وجهی از وجوه، منافع یهود را در جهان تهدید نمی کنند بلکه متأسفانه از منافع یهود در جهان اسلام هم حمایت می کنند و با تضعیف مقاومت، منافع صهیونیسم را تقویت می کنند.

فرمانیان در باره اینکه علت این مسئله چیست گفت: برخی می گویند اینها جاسوس موساد و امریکا و دست نشانده امریکا و اسرائیل هستند، شاید اینطور باشد من خبر ندارم اما دلیل دیگر می تواند بدفهمی یا کج فهمی آنان و تفسیر اشتباه برخی از آیات و روایات باشد که متأسفانه اینها را در زمان قدیم هم در خوارج دیدیم؛ که آمدند قرآن سرنیزه کردند و قرآن ناطق را محدود کردند و دشمن اصلی قرآن ناطق را به آن جلا و قوت دادند. معتقدم که الان هم دارد همین اتفاق می افتد. عده ای با نفهمی و جهل و با کج فهمی شان قرآن سرنیزه کرده اند و قرآنها را ناطق را به حاشیه می برند، امریکا را به عنوان کسی که میخواهد دقیقاً قرآن ناطق را از بین ببرد تقویت می کنند و باعث قدرت امریکا می شوند.

فرمانیان در مورد اینکه برای رهایی از این وضعیت جهان اسلام چه راهکارهایی می دهید گفت: راهکارها بسیار متعدد هستند.

معتقدم راهکارها باید فرهنگی باشند. زیرا مشکل جهان اسلام مشکل فرهنگی است. یک بخش آن هم راهکارهای سیاسی و امنیتی است. راهکارهای امنیتی و نظامی اصلا و ابدا جوابگو نخواهد بود و راهکار باید بیشتر فرهنگی باشد.

اولین کاری که باید انجام داد این است که چند مفهوم را باید به صورت خیلی وسیع در شبکه های ماهواره ای و در سایت ها و اینترنت به یک گفتمان تبدیل کرد. آن بحثی است که چه زمان یک مسلمان، کافر می شود؟ یعنی بحث ایمان و کفر و مخصوصا بحث کفر، و یکی هم بحث جهاد اینکه آیا جهاد علیه مسلمانان واجب است یا علیه آن کسی که شهادتین را گفته است. نکته سوم این است که آیا می توان با این قساوت قلب و خشونت، حکومت اسلامی تشکیل داد و آن فضایی را ایجاد کرد که حداوند و رسولش می پسندند؟ اولین کار این است اینها را باید به یک گفتمان در جهان اسلام تبدیل کرد؛ طوری که بتواند آن گفتمان جهادی ای را که اینها ایجاد کردند از فضای جهان اسلام رخت بربندد.

وی افزود: یکی از کارهای دیگر این است که سیاسیون بنشینند و یک مقدار فضای جهان اسلام را بازتر کنند دیکتاتوری، استبداد این پادشاهی ها و این ظلم کردن ها که در جهان اسلام دارد اتفاق می افتد اینها عامل بسیار مهمی هستند که برای پیوستن جوانان اهل سنت به داعش یا القاعده یا امثال اینها مؤثرند. یک مقدار باید فضای جهان اسلام بازتر شود و بحث مردمسالاری با قوت بیشتری اتفاق بیافتد. متأسفانه می بینیم باز تفکر مردمسالاری را امریکا می خواهد ایجاد کند. حضور امریکا در جهان اسلام هر چقدر بیشتر شود داعشی ها بیشتر می شوند. این مسئله به یقین ثابت شده است. اگر امریکا به افغانستان و عراق حمله نمی کرد و وارد جهان اسلام نمی شد و با توپ و تانک نمی خواست دموکراسی را گسترش دهد داعش درست نمی شد. حضور امریکا در این 10 ساله اخیر، قدرت و نفوذ القاعده و داعش را در جوانان اهل سنت 10 برابر کرده است.

فرمانیان تصریح کرد: فکر می کنم ورود امریکا در جهان اسلام عمدی و با این هدف است که جهان اسلام را تضعیف کند الان هم نمونه آن حملات علیه داعش است. اگر از جهتی باعث محدود شدن داعش شده اما از آن طرف در جهان اسلام جوانان تندرو و افراطی را به پیوستن به داعش تشویق کرده است. یعنی اگر دید در جهان اسلام در حمایت از داعش تظاهرات کردند تعجب نکنید زیرا آنها مخالف امریکا هستند. توصیه ما به شیعیان این است که در این ایام عزاداری ماه محرم و صفر مواظب باشند حرفی نزنند و رفتاری نکنند که مورد سوء استفاده داعشی ها قرار گیرد و شیعه کشی در جهان اسلام به ویژه در عراق و سوریه بیشتر شود.